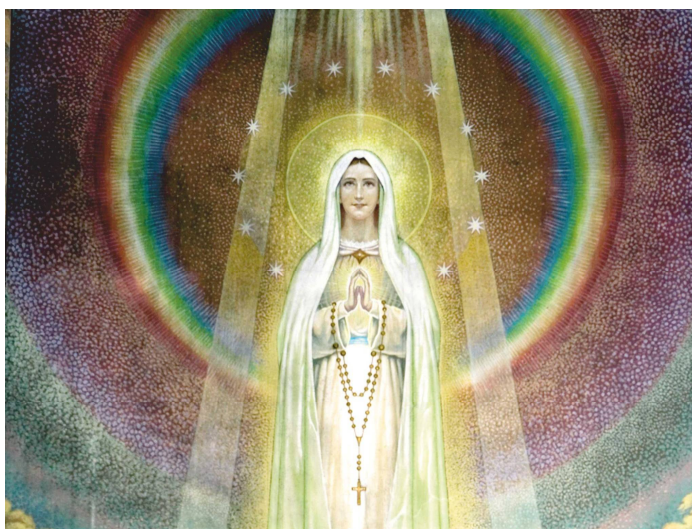


حضرت مریم در کلیسای کاتولیک



مقدمه

مقام حضرت مریم در انجیل

برای ما مسیحیان حرمت و تکریم حضرت مریم ریشه در انجیل‌ها دارد. مهم‌ترین اشاره به حضرت مریم در انجیل لوقا یافت می‌شود. جبرائیل، فرشته خدا، بر مریم ظاهر شد تا مژده بارداری‌اش را به او بدهد. ببینید فرشته چه حرمتی از جانب خدا برای او قائل می‌شود. فرشته گفت: ”سلام بر تو، ای که بسیار مورد لطفی. خداوند با تو است... ای مریم، مترس! لطف بسیار خدا شامل حال تو شده است. اینک آبستن شده، پسری خواهی زایید که باید نامش را عیسی بگذاری. او بزرگ خواهد بود و پسر خدای متعال خوانده خواهد شد...“. مریم در پاسخ به افتخاری که نصیب شده بود، به فرشته گفت: ”کنیز خداوندم. آنچه در باره من گفتی، بشود“ (لوقا ۱: ۲۸-۳۸)

سپس مریم به دیدار الیزابت، یکی از خویشانش می‌شتابد که به یحیای تعمیددهنده آبستن بود. الیزابت با دیدن مریم، از روح القدس پر شد و او را چنین استقبال کرد و تحیت گفت: ”تو در میان زنان خجسته‌ای، و خجسته است ثمره رحم تو! من که باشم که مادر خداوندم نزد من آید؟ چون صدای سلام تو به گوشم رسید، طفل از شادی در رحم من به جست و خیز آمد...“ (لوقا ۱: ۴۲-۴۵).

آنگاه مریم تحت الهام روح القدس چنین گفت: ”جان من خداوند را می‌ستاید و روحم در نجات‌دهنده‌ام خدا، به وجد می‌آید، زیرا بر حقارت کنیز خود نظر افکنده است. زین پس، همه نسل‌ها خجسته‌ام خواهند خواند...“ (لوقا ۱: ۴۶-۴۸).

چنین تحیات و شادباشهایی به هیچیک از مردان و زنان خدا در کتاب مقدس گفته نشده است، نه حتی به موسی، و نه حتی به پولس رسول. طبق گفته فرشته، او بسیار مورد لطف خدا بود. او خواست خدا را بی‌چون و چرا پذیرفت، گرچه این امر برای او می‌رفت که بسیار گران تمام شود. کلیسا از همان آغاز مریم را تکریم می‌کرد چرا که او با اطاعت محض خود از امر خدا، کلیسا را نمونه‌ای گذاشت از اطاعت و فرمانبرداری. او نمونه برین اطاعت از خدا برای همه مسیحیان است. او شایسته است که ”تمامی نسل‌ها“ او را خجسته و فرخنده بخوانند و از الگوی او پیروی کنند و او را سرمشق خود قرار دهند. در ضمن، می‌بینیم که الیزابت، تحت الهام روح القدس، چه تحیتی به او می‌گوید. او وی را خجسته می‌خواند؛ خود را لایق آن نمی‌بیند که از سوی او مورد بازدید قرار گیرد. و بعد می‌بینیم که مریم در سرودی که حالتی نبوتی دارد، اعلام می‌دارد که ”تمامی نسل‌ها“ او را خجسته خواهند خواند.

از اینرو است که، طبق شهادت نوشته‌های پدران اولیه کلیسا، تکریم مریم از همان زمان متداول بوده است، چرا که می‌دانستند ”همه نسل‌ها باید او را خجسته

بخوانند“. به همین دلیل، دعای ”سلام بر تو ای مریم“ از دیرباز متداول بوده است. اگر دقت کرده باشید، بخش اول این دعا، تماماً مبتنی است بر آیات انجیل لوقا. بخش دوم نیز چیزی نیست جز درخواست شفاعت و وساطت از حضرت مریم.

پس از ولادت سرور ما عیسی، وقتی والدینش او را به معبد برده بودند تا آیین شریعت را در مورد او به‌جا آورند، مردی که‌نسال به‌نام شمعون، تحت هدایت و الهام روح‌القدس، تشخیص داد که این طفل همان مسیح موعود می‌باشد. پس او را برکت داد و بعد به مریم نیز گفت: ”در قلب تو نیز شمشیری فرو خواهد رفت تا افکار قلوب بسیاری مکشوف شود“ (لوقا ۲: ۳۵). به این ترتیب، می‌بینیم که شمعون با حالتی نبوتی، مصائب مسیح را پیشگویی می‌کند و به‌نوعی مریم را نیز در آن شریک می‌بیند. از اینرو است که کلیسا از دیرباز نقش مریم را در نقشهٔ نجات الهی مورد تصدیق قرار داده، او را حرمت می‌گذارند.

در انجیل یوحنا نیز می‌بینیم که حضرت مریم جزو معدود کسانی بود که پای صلیب پسرش ایستاده بود. مولای ما عیسی که مادر خود را یکه و تنها می‌دید، او را به شاگرد محبوب خود یوحنا سپرد و گفت که از این پس او مادر وی خواهد بود و وی پسر او. بدینسان، خداوند عیسی تمثیل‌وار کلیسا را به مادر خود سپرد. به همین سبب است که کلیسا از زمان‌های کهن، مریم را مادر کلیسا می‌خوانند. حضرت لوقا نیز همین امر را متذکر می‌شود آن‌گاه که مریم را جزو آن ۱۲۰ نفری ذکر می‌کند که در فاصلهٔ زمانی عروج مسیح به آسمان و نزول روح‌القدس در روز پنطیکاست، همراه با رسولان او و پیروان نزدیکش، در دعا و عبادت شریک بود و کلیسای پسرش را همراهی میکرد. این امر در روزگاری که برای زنان هیچ نقش و ارزشی قائل نبودند، بسیار حائز اهمیت است. ذکر نام یک زن در میان نامهای رسولان، حاکی از اهمیت فوق‌العاده‌ای است که این زن خجسته داشته است.

مریم، مادر عیسی نجات دهنده و خداوند ما (واتیکان ۲- "کلیسا نور جهان" شماره ۵۲ تا ۶۹)

مریم باکره فرخنده، مادر خدا، در راز مسیح و کلیسا

۱- مقدمه

باکره مقدس در راز مسیح

۵۲- خدا که در نیکویی عظیم و حکمت خود بر آن شد تا فدیة جهان را عملی سازد، "چون زمان به کمال رسید، پسر خود را فرستاد که از زن زاییده شد... تا آنکه پسر خواندگی را بیابیم." (غلا ۴: ۵). بدینسان بود که پسر او، "به خاطر ما انسانها و برای نجات ما، از آسمان فرود آمد و به واسطه روح القدس از مریم عذرا تن گرفت." این راز الهی برای ما مکتشف می شود و در کلیسا نیز تداوم می یابد، کلیسایی که خداوند مقرر داشته تا بدنش باشد و در آن، مؤمنین که به مسیح وابسته اند و با جمیع مقدسین در شراکتی واحد متحد هستند، باید "پیش از هر چیز، خاطره مریم پر جلال و همیشه باکره، مادر خدا و خداوند ما عیسی مسیح" را گرامی دارند.

باکره مقدس و کلیسا

۵۳- مریم باکره که به هنگام مژده فرشته، "کلمه" خدا را هم در دل خود و هم در بدن خود دریافت کرد، و حیات را به جهان عرضه داشت، همچون مادر راستین خدا و فدیة دهنده تصدیق شده، مورد تکریم قرار می گیرد. او که به شکلی برتر به خاطر شایستگی های پسرش باز خرید شد، و با پیوندی تنگاتنگ و ناگسستنی با او متحد گردید، این وظیفه و حرمت عظیم را دریافت می دارد که مادر پسر خدا بوده، و در نتیجه، دختر ارجح پدر و معبد روح القدس باشد که عطای فیضی استثنایی است که او را بسیار بالاتر از همه مخلوقات در آسمان و بر زمین قرار می دهد. اما او همچنین چون از فرزندان آدم است، با همه بشریتی که نیاز به نجات دارد متحد است؛ فراتر از این، او به راستی مادر اعضای مسیح است، چرا که به واسطه محبت خود، در ولادت مؤمنینی که اعضای این رئیس هستند همکاری کرده است. به همین دلیل است که او را همچون عضو برجسته و کاملاً منحصر به فرد کلیسا و الگوی بی همتای آن در ایمان و محبت تحیت می گویند. کلیسای کاتولیک، با دریافت تعلیم از روح القدس، او را همچون مادر، با محبت و احترام فرزندگونه، تکریم می کند.

قصد شورا

۵۴- در نتیجه، این شورای مقدس، ضمن ارائه اعتقاد کلیسا، کلیسایی که در آن نجات دهنده الهی نجات ما را به عمل می آورد، می کوشد با دقت دو نکته را روشن

سازد: یکی نقش باکره خجسته در راز ”کلمه“ جسم‌شده و بدن عرفانی؛ و دوم، وظایف انسان‌های فدیة‌شده در قبال مادر خدا، مادر مسیح، و مادر انسان‌ها، و در وهله اول مادر ایمانداران؛ اما این شورا قصد ندارد رساله تعلیمی کاملی در خصوص مریم ارائه دهد، و نه اینکه مسائلی را حل و فصل کند که الهی‌دانان هنوز نتوانسته‌اند به‌طور کامل روشن سازند. در نتیجه، عقایدی که آزادانه در مدارس کاتولیک در باره کسی که در کلیسای مقدس برترین جایگاه را پس از مسیح اشغال می‌کند و تا این حد به ما نزدیک است ارائه می‌گردد، مشروع باقی می‌مانند.

۲- نقش مریم فرخنده در تدبیر نجات

مادر مسیح موعود در عهدعتیق

۵۵- کتب مقدس عهدعتیق و عهدجدید، و نیز سنت مکرّم، نقش مادر نجات‌دهنده را در تدبیر نجات هر چه بیشتر روشن می‌سازند و آن را برای سیر و نظاره ما ارائه می‌دهند. کتاب‌های عهدعتیق به شرح تاریخ نجات و آمادگی تدریجی برای ورود مسیح به جهان می‌پردازد. این اسناد اولیه، آن گونه که در کلیسا قرائت می‌شود و در پرتو مکاشفه متأخر و کامل درک می‌گردد، به‌تدریج چهره آن زن، یعنی مادر نجات‌دهنده را در نوری کامل‌تر ظاهر می‌سازد. وقتی والدین نخستین ما در گناه افتادند، به ایشان وعده پیروزی بر مار داده شد؛ در پرتو این نکته است که چهره مادر نجات‌دهنده به شکلی نبوتی ترسیم شده است (ر.ک. پید ۱۵:۳). همچنین وی، یعنی ”باکره“، آبستن شده، پسری خواهد زایید که او را عمانوئیل خواهند نامید (ر.ک. اش ۷:۱۴؛ نیز ر.ک. میک ۵:۲-۳؛ مت ۲۲:۱-۲۳). او در میان فروتنان و مسکینان خداوند جایگاه نخست را دارد، در میان افرادی که با اعتماد از او انتظار نجات را دارند و آن را دریافت می‌کنند. و بالاخره، پس از انتظاری طولانی برای وعده، از طریق او، این برترین دختر صهیون است که زمان‌ها به کمال می‌رسند و تدبیر جدید برقرار می‌گردد، یعنی آن هنگام که پسر خدا از او طبیعت انسانی دریافت می‌دارد تا انسان را به‌واسطه رازهای بدنش رهایی دهد.

مریم به‌هنگام اعلام خبر آبستنی

۵۶- اما پدر رحمت‌ها چنین مقدر داشت که تجسم پس از آن صورت گیرد که این مادر از پیش تعیین‌شده آن را بپذیرد؛ بدینسان، همان گونه که یک زن در عمل موت نقش داشت، یک زن نیز می‌بایست در عمل حیات نقش داشته باشد. این امر به شکلی استثنایی در خصوص مادر عیسی صدق می‌کند که حیات را به جهان داد، همان حیاتی که همه چیز را تازه می‌سازد؛ او از جانب خدا به عطاهایی مجهز شد که برای چنین وظیفه خطیری ضروری بود. در نتیجه، جای تعجب نیست که این رسم نزد پدران مقدس برقرار گشت که مادر خدا را مقدس و بری از هر لکه گناه بدانند، هم‌او

را که از سوی روح القدس سرشته شد و همچون خلقتی جدید شکل گرفت. باکره ناصره که از همان لحظه نخست بسته شدن نطفه‌اش با تقدسی شکوهمند و کاملاً بی‌همتا پوشیده شده بود، از سوی فرشته مژده‌رسان تحیت گفته شد که به امر خدا او را ”پُر از فیض“ خواند (ر.ک. لو ۱:۲۸). او نیز به پیام‌آور آسمانی چنین پاسخ داد: ”اینک کنیز خداوندم. مرا بر حسب سخن تو واقع شود.“ (لو ۱:۳۸). بدینسان مریم، دختر آدم، به کلام خدا رضایت داد و مادر عیسی گردید، و بی‌آنکه گناهی او را باز دارد، اراده خدا برای نجات را با تمام دل پذیرفت، و خود را همچون کنیز خداوند به‌طور کامل به شخص پسر او و خدمتش تسلیم کرد تا با اتکا به او و به‌همراه او، و به‌واسطه فیض خدای قادر مطلق، راز نجات را خدمت نماید. لذا کاملاً به‌جا است که پدران مقدس مریم را صرفاً ابزاری منفعل در دستان خدا تلقی نکنند، بلکه بر این اعتقاد باشند که او با آزادی ایمان خود و نیز با اطاعت خویش، با خدا همکاری کرده است. در واقع، همان گونه که قدیس ایرنئوس می‌گوید، ”او با اطاعت خود برای خویشتن و برای تمامی نوع بشر، سبب نجات گردید“. همچنین بسیاری از پدران عهد باستان، همصدا با این قدیس، با کمال میل در موعظه‌های خود می‌گویند: ”آنچه که به‌واسطه نافرمانی حوا گره خورد، با اطاعت مریم گشوده شد؛ آنچه را که حوا باکره با بی‌ایمانی خود گره زد، مریم باکره با ایمان خود گشود“؛ ایشان با مقایسه مریم با حوا، او را ”مادر جمیع زندگان“ می‌خوانند و اغلب اعلام می‌دارند: ”با حوا موت آمد، با مریم حیات“.

باکره مقدس و کودکی عیسی

۵۷- این اتحاد ”مادر“ با ”پسرش“ در کار نجات، از همان لحظه بسته شدن نطفه مسیح در رحم مریم باکره تا زمان مرگ وی مشهود است؛ ابتدا آن را زمانی می‌بینیم که مریم به دیدار الیزابت می‌شتابد و از سوی او همچون ”مبارک“ تحیت گفته می‌شود، زیرا که به نجات موعود ایمان آورده بود، در همان حال که آن ”پیشرو“، یعنی یحیی، در رحم مادر خود به حرکت در آمده بود (ر.ک. لو ۱:۴۱-۴۵)؛ سپس به‌هنگام ولادت شاهد این اتحاد هستیم، آن گاه که مادر خدا پسر نخست‌زاده خود را با شادی به شبانان و مجوسیان نشان می‌دهد، پسری که زاده شدنش به‌منزله تقدیس کامل باکره بودن وی بود، نه از دست رفتن آن. پس از آن، وقتی در معبد قربانی مخصوص فقیران را گذرانید و پسر خود را به خداوند تقدیم کرد، در همان حال شنید که شمعون نبوت می‌کند که ”پسر“ نشانه تناقض‌گویی خواهد بود، و اینکه قلب مادرش با شمشیری سوراخ خواهد شد و بدینسان، افکار درونی بسیاری از افراد آشکار خواهد گردید (ر.ک. لو ۲:۳۴-۳۵). چون والدین عیسی خردسال او را گم کرده بودند و با اضطراب به‌دنبال او می‌گشتند، او را در معبد یافتند که در امور پدر خود مشغول بود، و ایشان سخن ”پسر“ را درک نکردند. اما مادرش همه اینها را در دل خود نگاه می‌داشت و در مورد آنها می‌اندیشید (ر.ک. لو ۲:۴۱-۵۱).

باکره مقدس و خدمت عمومی عیسی

۵۸- در طول زندگی عمومی عیسی، مادر او به‌طور خاص و از همان آغاز در صحنه ظاهر می‌شود، آن هنگام که در عروسی قانای جلیل دچار دلسوزی شد، و با شفاعت خود، سبب شد که عیسی، آن مسیح موعود، معجزات خود را افتتاح کند (ر.ک. یو ۱: ۲-۱۱). در جریان موعظت عیسی، وی سخنانی را دریافت کرد که پسرش توسط آنها، ملکوت را در فراسوی ملاحظات و پیوندهای خون و جسم قرار داد، و آنانی را مبارک خواند که کلام خدا را می‌شنوند و رعایت می‌کنند (ر.ک. مر ۳: ۳۵، و لو ۲۷: ۱۱-۲۸)، کاری که وی خود وفادارانه انجام می‌داد (ر.ک. لو ۱۹: ۲ و ۵۱). بدینسان، باکره فرخنده در سفر ایمان خود پیش می‌رفت و اتحاد خود را با پسرش وفادارانه نگاه می‌داشت، حتی تا پای صلیب که در آنجا، او بر حسب تقدیر الهی، ایستاده بود (ر.ک. یو ۱۹: ۲۵)، و با بی‌رحمی با پسر یگانه‌اش رنج کشید، و با قلبی مادرانه در قربانی‌اش شریک شد، و رضایت پرمهر خود را به ذبح شدن این قربانی که از بدن او زاده شده بود نثار کرد، تا سرانجام، از سوی همان مسیح عیسی که بر روی صلیب در حال جان دادن بود، با این کلمات، همچون مادر به آن شاگرد داده شود: ”ای زن، اینک پسر تو“ (ر.ک. یو ۱۹: ۲۶-۲۷).

باکره مقدس پس از صعود

۵۹- اما چون خدا را پسند آمد که راز نجات انسان‌ها را تنها در ساعتی آشکار سازد که روح القدس موعود مسیح را فرو ریزد، رسولان را می‌بینیم که پیش از روز پنطیکاست، ”با زنان و مریم، مادر عیسی، و برادران او، به یکدل در عبادت و دعا مواظب می‌بودند“ (اع ۱: ۱۴)؛ و مریم را می‌بینیم که او نیز با دعا‌های خود عطیه روح القدس را می‌طلبید، همان روح القدس که به‌هنگام اعلام خبر آبستنی، وی را زیر سایه خود گرفته بود. و سرانجام، باکره مطهر که از جانب خدا از هر آلودگی به خطای اولیه مصون نگاه داشته شده بود، چون جریان زندگی زمینی خود را به پایان رسانید، در بدن و روح خود به آسمان بالا برده شد، و از سوی خداوند همچون ملکه عالم هستی رفعت یافت، تا به این طریق، به شکلی کامل‌تر با پسر خود همخوان گردد، پسری که خداوند خداوندان (ر.ک. مکا ۱۶: ۱۹) و پیروز بر گناه و مرگ است.

۳- باکره فرخنده و کلیسا

مریم، کنیز خداوند

۶۰- مطابق کلام رسول مسیح، واسطه یا میانجی ما واحد است: ”زیرا خدا واحد است، و در میان خدا و انسان یک متوسطی است، یعنی انسانی که مسیح عیسی باشد که خود را در راه همه فدا داد.“ (۱-تیمو ۲: ۵-۶). اما نقش مادرانه مریم در قبیل

انسان‌ها به هیچ وجه مانع چنین وساطت بی‌همتای مسیح نیست و از آن نیز نمی‌کاهد، بلکه بر عکس، برتری آن را آشکار می‌سازد. زیرا هر تأثیر نجات‌بخشی از سوی باکره فرخنده بر انسان‌ها ریشه در ترتیب کاملاً رایگان خدا دارد: این تأثیر زاده ضرورتی عینی نیست، بلکه از وفور شایستگی‌های مسیح ناشی می‌گردد؛ تکیه آن بر وساطت او است و در هر چیز به آن متکی است و تمام قوت خود را از آن اخذ می‌کند. این امر از هیچ رو مانع اتحاد بلافصل ایمانداران با مسیح نمی‌گردد، بلکه بر عکس به آن یاری می‌رساند.

۶۱- باکره فرخنده در بطن طرح تجسم کلمه، از ازل مقدر شده بود تا مادر خدا باشد؛ او طبق تمهیدات مشیت الهی، بر روی زمین مادر مکرم نجات‌دهنده الهی بود، و همچون خدمتگزار فروتن خداوند، به شکلی کاملاً بی‌همتا به‌طور کامل در کار او شریک بود. او به مسیح آبستن شد، او را به دنیا آورد، خوراک داد، در معبد به پدرش تقدیم نمود، و با پسر خود که بر روی صلیب جان می‌سپرد رنج کشید؛ به این ترتیب، به‌واسطه اطاعت، ایمان، امید، و محبت وافر خود به شکلی کاملاً بی‌نظیر با کار نجات‌دهنده همکاری کرد تا روح انسان‌ها حیاتی فوق طبیعی دریافت دارد. از این رو است که او در ترتیب فیض، مادر ما شده است.

۶۲- این مادر بودن مریم در ترتیب فیض، از زمان رضایتی که وفادارانه به‌هنگام اعلام خبر آبستنی داد و آن را بدون تزلزل در پای صلیب حفظ کرد، تا زمان به اوج رسیدن همه برگزیدگان، بدون وقفه ادامه می‌یابد. در واقع، پس از عروج او به آسمان، نقش او در نجات توقف نپذیرفته است: او با شفاعت مکرر خود، عطا‌هایی را برای ما به دست می‌آورد که نجات ابدی ما را تضمین می‌کند. محبت مادرانه او سبب می‌شود که به برادران پسرش توجه داشته باشد، برادرانی که سفر روحانی‌شان به پایان نرسیده یا اینکه درگیر خطرات و آزمایش‌ها می‌باشند، تا آن زمان که به وطن فرخنده خود برسند. به همین دلیل، باکره خجسته در کلیسا با عناوینی چون مدافع، یاور، مددکار، و شفیع مورد خطاب قرار می‌گیرد. اما هیچیک از اینها به شکلی استنباط می‌شود که حرمت و اثربخشی شفیع واحد، یعنی مسیح، نه خدشدار می‌گردد و نه چیزی به آن افزوده می‌شود.

در واقع، هیچ مخلوقی هرگز نمی‌تواند هم‌سطح با "کلمه" تجسم‌یافته و نجات‌دهنده قرار گیرد. اما درست همان گونه که کهنات مسیح به شکل‌های گوناگون چه از سوی خادمین و چه از سوی قوم وفادار مورد شراکت قرار می‌گیرد، و درست همان گونه که نیکویی بی‌همتای خدا به‌طور واقعی و به اشکال مختلف بر مخلوقات افاضه می‌گردد، به همان شکل نیز میانجیگری واحد نجات‌دهنده سبب حذف همکاری مخلوقات نمی‌گردد، بلکه بر عکس، این همکاری را در وابستگی به آن منبع واحد بر می‌انگیزد.

کلیسا این نقش وابسته مریم را بدون هیچ تردیدی اعلام می‌نماید، پیوسته آن را تجربه می‌کند، و آن را به مؤمنین توصیه می‌نماید، تا این تکیه‌گاه و این امداد مادرانه ایشان را یاری دهد که بیش از پیش به شفیع و نجات‌دهنده متوسل شوند.

مریم، الگوی کلیسا

۶۳- همچنین باکره خجسته به واسطه عطیه و وظیفه مادری که سبب پیوند او با پسرش، یعنی نجات‌دهنده، می‌شود، و به واسطه الطاف و وظایف خاصی که به او تعلق دارند، در اتحادی صمیمی با کلیسا به سر می‌برد: بر اساس تعالیم قدیس آمبروز، مادر خدا در ترتیب ایمان، الگوی کلیسا در زمینه محبت و اتحاد کامل با مسیح می‌باشد. در واقع، در راز کلیسا، کلیسایی که آن نیز به حق عنوان مادر و باکره را دریافت می‌دارد، مریم باکره و فرخنده جایگاه نخست را دارد، و به شکلی برجسته و خاص، الگویی از باکره و مادر بودن را ارائه می‌دهد، زیرا او در ایمان و در اطاعت خود پسر پدر را بر روی زمین به دنیا آورد، بی‌آنکه مردی را شناخته باشد، و در حالی که با روح القدس احاطه شده بود، همچون حوایی جدید، نه به مار قدیم، بلکه به فرشته خدا ایمانی را عرضه داشت که هیچ چیز آن را تغییر نمی‌دهد. او پسر را به دنیا آورد، پسری که خدا او را نخست‌زاده در میان برادران بسیار ساخته است (روم ۸: ۲۹)، یعنی در میان ایماندارانی که باکره فرخنده در زایش و تربیت آنان با محبتی مادرانه همکاری می‌کند.

۶۴- کلیسا در تقدس رازگونه مریم باکره سیر و نظاره می‌کند، به محبت او اقتدا می‌نماید، و وفادارانه اراده پدر را به جا می‌آورد؛ بدینسان، کلیسا نیز به نوبه خود و به واسطه کلام خدا که آن را با ایمان می‌پذیرد، تبدیل می‌شود به مادر. کلیسا با موعظه و از طریق تعمید، پسرانی را که نطفه‌شان را روح القدس بسته، برای حیاتی جدید به دنیا می‌آورد، پسرانی که از خدا زاده شده‌اند. کلیسا نیز باکره است، زیرا وفاداری خود را به داماد نثار کرده است، وفاداری‌ای که آن را کامل و خالص نگاه می‌دارد. کلیسا با اقتدا به مادر خداوندش، و به قدرت روح القدس، ایمانی کامل، امیدی راسخ، و محبتی صادقانه را در خلوصی مبتنی بر باکره بودن حفظ می‌کند.

فضائل مریم، الگوی کلیسا

۶۵- اما با اینکه کلیسا در شخص باکره خجسته از هم‌اکنون به کمالی رسیده که آن را بی‌لکه و بی‌چین می‌سازد (ر.ک. افس ۵: ۲۷)، اما مؤمنین هنوز نیاز دارند در جهت رشد در تقدس به واسطه غلبه بر گناه تلاش کنند؛ به همین دلیل است که ایشان چشمان خود را به سوی مریم بر می‌افرازند که الگوی فضائلی است که بر کل جامعه برگزیدگان می‌تابد. کلیسا از طریق تأمل و دعا در باره مریم که او را در پرتو "کلمه‌ای" سیر و نظاره می‌کند که انسان شد، با احترام در راز متعالی تجسم بیشتر

نفوذ می‌کند و پیوسته بیشتر شبیه داماد خود می‌گردد. مریم که به شکلی تنگاتنگ در تاریخ نجات حضور دارد، مهم‌ترین اصول ایمان را به‌نوعی در خود گرد می‌آورد و منعکس می‌سازد و مؤمنین را به سوی پسر خود و قربانی‌اش، و نیز به محبت پدر فرا می‌خواند. این کار را زمانی انجام می‌دهد که در باره او موعظه می‌شود و مورد تکریم قرار می‌گیرد. کلیسا نیز به نوبه خود طالب جلال مسیح است، و به همین دلیل، از طریق رشد دائمی در ایمان و امید و محبت، خود را بیش از پیش شبیه الگوی عظیم خود می‌سازد، و در همه چیز طالب اراده خدا و انجام آن می‌باشد. از همین رو، کلیسا در جریان اجرای رسالت خود، به‌حق به کسی چشم می‌دوزد که مسیح را تولید کرد، مسیح را که نطفه‌اش با قدرت روح‌القدس بسته شد و از باکره به دنیا آمد، دقیقاً به این دلیل که به‌واسطه کلیسا در دل مؤمنین زاده شود و رشد کند. مریم باکره به‌واسطه زندگی خویش الگوی این محبت مادرانه بوده است، محبتی که باید همه آنانی را انگیزش دهد که با شراکت در مأموریت رسولی کلیسا، در جهت تجدید حیات انسان‌ها تلاش می‌کنند.

۴- آیین تکریم باکره فرخنده در کلیسا

ماهیت و بنیاد آیین تکریم باکره مقدس

۶۶- مریم در مقام مادر مقدس خدا، به‌واسطه فیض الهی، به مقامی پایین‌تر از پسرش و بالاتر از جمیع فرشتگان و همه انسان‌ها رفعت یافت و در رازهای مسیح حضور دارد؛ به همین دلیل، به‌واسطه آیینی خاص، به شکلی مشروع در کلیسا مورد تکریم قرار می‌گیرد. از این رو، از دورترین زمان‌ها، باکره فرخنده با عنوان ”مادر خدا“ مورد تکریم بوده است؛ و مؤمنین تحت محافظت او پناه می‌گیرند، و او را در خطرات و نیازهای خود صدا می‌زنند. خصوصاً از زمان شورای افسس به بعد، آیین تکریم مریم نزد قوم خدا به شکل احترام و محبت و دعا و اقتدا رشد چشمگیری یافت، و بدینسان گفتار نبوتی خود او تحقق یافت که می‌فرماید: ”از کنون تمامی طبقات مرا مبارک خواهند خواند، زیرا آن قادر به من کارهای عظیم کرده است.“ (لو ۱: ۴۸-۴۹). این آیین تکریم آن گونه که همیشه در کلیسا وجود داشته است، خصوصیتی کاملاً خاص دارد؛ این تکریم گرچه اساساً با آیین پرستشی که به ”کلمه“ تجسم‌یافته و نیز به پدر و روح‌القدس تقدیم می‌شود، تفاوت دارد، اما کاملاً به‌جا است که انجام شود. در واقع، شکل‌های گوناگون دعا خطاب به باکره مقدس که کلیسا تأیید کرده و آنها را در محدوده اصول اعتقادی درست نگاه داشته، و نیز با رعایت شرایط زمان و مکان، خلق و خو و خصائل مؤمنین، به گونه‌ای عمل می‌کنند که پسر خدا از طریق حرمتی که مادرش دریافت می‌دارد، به شکلی شایسته مورد تصدیق و محبت قرار گیرد و جلال یابد و احکامش اطاعت شود، زیرا همه چیز برای پسر وجود

دارد (ر.ک. کول ۱۵:۱-۱۶) و پدر ابدی را پسند آمد که «تمامی پُری در او ساکن شود» (کول ۱۹:۱).

روح موعظه و آیین تکریم باکره مقدس

۶۷- این شورای مقدس این آموزه کاتولیک را رسماً تعلیم می‌دهد. در عین حال، همه فرزندان کلیسا را تشویق می‌کند تا در این آیین، خصوصاً آیین نیایشی، در قبال باکره فرخنده سخاوتمندانه شراکت کنند، و برای رسوم و اعمال مذهبی برای او اهمیت قائل شوند، رسوم و اعمالی که مقام رسمی تعلیمی در طول قرن‌ها توصیه کرده است؛ این شورا توصیه می‌کند که همه قواعدی را که در گذشته در زمینه آیینهای مربوط به تصاویر مسیح، باکره فرخنده، و مقدسین مرسوم بوده، به شکلی مذهبی حفظ کنند. شورا قویاً علمای الهی و آنانی را که کلام خدا را حمل می‌کنند اندرز می‌دهد تا هرگاه که حرمت بی‌همتای مادر خدا مطرح باشد، با نهایت دقت از هر گونه افراط نادرست و نیز تنگ‌نظری تفریطی اجتناب کنند. مطالعه کتاب مقدس، نوشته‌های پدران و علمای الهی، و نیز آیینهای نیایشی کلیسا، تحت هدایت مقام رسمی تعلیمی، باید به ایشان کمک کند تا نقش و امتیازات باکره فرخنده را در پرتوی درست قرار دهند، نقش و امتیازاتی که همیشه معطوف به مسیح، سرچشمه راستی کامل، قدوسیت و دینداری است. ایشان باید با دقت مراقب هر سخن یا هر حرکتی باشند که ممکن است برادران جداشده ما یا هر کس دیگری را در خصوص تعلیم درست کلیسا به اشتباه بیندازد. مؤمنین باید به یاد داشته باشند که عبادت راستین مطلقاً مبتنی بر حرکتی عقیم و زودگذر در زمینه احساسات، و نیز زودبآوری عبث نیست؛ عبادت راستین از ایمانی واقعی بر می‌خیزد که ما را به تصدیق حرمت والای مادر خدا هدایت می‌کند، و ما را بر آن می‌دارد تا این مادر را با محبتی فرزندگونه دوست بداریم، و به فضائل او اقتدا نماییم.

۵- مریم، نشان امیدی مطمئن و تسلی برای قوم خدا که بر روی زمین در سفر است

۶۸- اما مادر عیسی درست همان گونه که هم‌کنون جسماً و روحاً در آسمان جلال یافته، تصویری است از کلیسا و نیز افتتاح‌کننده آن به‌هنگام تکاملش در عصر آینده؛ او همچنین بر روی زمین، در انتظار فرا رسیدن روز خداوند (ر.ک. ۲-پطرس ۱:۳)، از هم‌کنون همچون نشانی از امیدی مطمئن و تسلی، در برابر قوم خدا که در سفر است، می‌درخشد.

۶۹- این شورای مقدس بسیار شادی می‌کند و تسلی می‌یابد از این واقعیت که در میان برادران جداشده ما، کم نیستند کسانی که به مادر خداوند و نجات‌دهنده ما، اکرایی را که شایسته است به او نثار می‌کنند، خصوصاً در میان کلیساهای شرق که

با اشتیاقی وافر و روحی سرسپرده به سوی مادر خدا و همیشه باکره می‌روند تا تکریم خود را به او تقدیم دارند. همه مسیحیان باید با استغاثه‌های مؤکد، مادر خدا و انسان‌ها را مخاطب قرار دهند، تا او پس از آنکه کلیسای مولود را با دعا‌های خود پشتیبانی کرد، اکنون نیز که در آسمان برتر از همه خجستگان و فرشتگان قرار گرفته، در مشارکت با جمیع مقدسین، به شفاعت خود نزد پسرش ادامه دهد، تا آن زمان که همه خانواده‌های قوم‌ها، خواه نام زیبایی مسیحی را بر خود داشته باشند و خواه هنوز نجات‌دهنده خود را نشناخته باشند، سرانجام با شادی در صلح و صفا، به شکل قوم واحد خدا گرد آیند و تقدیس اقدس و تقسیم‌ناپذیر جلال یابد.

کل این نکات و هر یک از آنها که در این منشور امر شده، مورد رضایت پدران شورا قرار گرفته‌اند. و ما، به واسطه قدرت رسولی که از مسیح دریافت داشته‌ایم، در اتحاد با پدران مکرم، آنها را در روح‌القدس تصویب، تأیید، و امر می‌کنیم، و مقرر می‌داریم که آنچه بدینسان در شورا به تصویب رسیده، برای جلال خدا انتشار یابد.

رُم، در کلیسای حضرت پطرس، ۲۱ نوامبر ۱۹۶۴
پُل، اسقف کلیسای کاتولیک.

"مریم، الگوی کلیسا"

در ادامه آموزشهایمان درباره کلیسا، امروز مایلم بر مریم به عنوان تصویر و نمونه کلیسا بنگرم. و این کار را با گرفتن عبارتی از شورای دوم واتیکان آغاز خواهم کرد: "چنان که امبروز قدیس آموخت، مادر خداوند در ایمان، محبت و یگانگی کامل با مسیح، الگوی کلیسا است."

۱) **مریم در جایگاه نمونه ایمان.** مریم به چه معنا نشان دهنده نمونه ایمان کلیسا است؟ به این بیندیشیم که مریم باکره که بود: دختری یهودی که با تمامی قلبش منتظر رستگاری مردمانش بود. اما رازی در دل دختر جوان اسرائیل بود که حتی خود او نیز هنوز آن را نمی دانست: در طرح محبت آمیز خدا، مریم، راهی آن بود تا مادر آن رهایی بخش باشد. در مژده رسانی، فرشته خدا او را "سرشار از فیض" می خواند و این طرح را بر او آشکار می کند. مریم با "آری" پاسخ می دهد و از آن دم زندگی مریم روشنی تازه ای دریافت می کند: که کانونش عیسی است، یعنی پسر خدا، که از او تن گرفت، و تمامی وعده های رستگاری در او برآورده شد. ایمان مریم، برآورده شدن ایمان اسرائیل است، او در بر دارنده تمامی راههایی است که مردم منتظر رستگاری پیموندند. و از این رو است که او نمونه ایمان کلیسا است، کلیسایی که عیسی را که تن یافت محبت بی پایان خدا است، در کانون خود دارد.

مریم چگونه این ایمان را زیست؟ او آن را در سادگی هزاران کار و نگرانی روزانه یک مادر زندگی کرد، چیزهایی مانند فراهم کردن خوراک، پوشاک، خانه داری ... دقیقاً زندگی معمولی بانوی ما، پایه رابطه یکتا و گفتگوی ژرفی شد که میان او و خداوند، میان او و پسرش جاری شد. "آری" مریم که از آغاز کامل بود، تا هنگام صلیب رشد کرد. در آنجا بود که مادرانگی او برای پذیرش هر کدام ما، زندگی هر کدام از ما آغوش گشود، باشد که ما را به سوی پسرش راهنمایی کند. مریم پیوسته در راز خدای انسان شده غرق بود، در جایگاه شاگرد نخست و کامل او، با نگهداشتن همه چیز در دلش، در نور روح القدس، به منظور درک و زیستن اراده خدا.

می توانیم از خودمان بپرسیم: آیا می گذاریم که ایمان مریم که مادر ما است، ما را روشن کند؟ یا به او همچون شخصی دور می اندیشیم که با ما خیلی فرق دارد؟ آیا در لحظات سخت، در آزمایش و در تاریکی همچون نمونه اعتماد به خداوند(خدایی که همیشه و تنها خوبی ما را می خواهد) به او می نگریم؟ بیایید به این بیندیشیم: احتمالاً برایمان خوب است که مریم را در ایمانی که داشت، به عنوان نمونه و تصویر کلیسا دوباره کشف کنیم!

۲) **مریم در جایگاه الگوی محبت.** مریم به چه شکل، نمونه زنده محبت برای کلیسا

است؟ بیایید به آمادگی ای که او در برابر الیزابت نشان داد بیندیشیم. در دیدار با الیزابت، مریم نه تنها کمک مادی – چراکه کمک مادی هم بود- آورده بود بلکه عیسی را که در درون او زنده بود را نیز با خود آورد. آوردن عیسی به آن خانه یعنی آوردن شادی، کمال شادی. الیزابت و زکریا از بارداری ای که در سن آنها نشدنی می نمود، شادمان بودند، اما مریم جوان بود که کمال شادی را برایشان آورد، شادی ای که از عیسی و روح القدس می آید و با محبت سخاوتمندانه بیان می شود، با مشارکت، یاری و درک دیگران.

بانوی ما همچنین می خواهد، که هدیه بزرگ عیسی را به ما بدهد، به همه ما: و مریم با عیسی، محبت و آرامش و شادی او را برای ما می آورد. کلیسا در این کار، مانند مریم است: کلیسا فروشگاه نیست، آژانس انسان دوستی نیست، کلیسا یک سازمان غیرانتفاعی نیست. کلیسا فرستاده شده تا مسیح و انجیلش را برای همه بیاورد. چه کوچک چه بزرگ، چه توانا چه ناتوان، کلیسا خودش را نمی آورد، عیسی را می آورد و باید مانند مریم که به دیدار الیزابت رفت باشد. مریم چه چیزی را برای او برد؟ عیسی را. کلیسا عیسی را می آورد: این است کانون کلیسا، بردن عیسی! اگر بر فرض، کلیسا قرار نبود عیسی را ببرد، کلیسایی مرده می بود. کلیسا باید عیسی را برساند، محبت عیسی را، نیکی عیسی را.

درباره مریم، درباره عیسی سخن گفتیم. اما درباره خودمان چه؟ ما که کلیسا هستیم چه؟ چه جور محبتی را برای دیگران می آوریم؟ آیا محبت مسیح است که شریک می شود، می بخشد، همراهی می کند؟ یا محبت کم جانی است، مثل شرابی که آنقدر رقیق شده که مثل آب است؟ آیا دوست داشتن ما استوار است یا دوست داشتنی است آنقدر سست که در پی احساسات است، یا عوض می خواهد، یا محبتی حسابگر است؟ پرسشی دیگر: آیا محبت حسابگرانه برای مسیح خوش آیند است؟ نه، چراکه محبت باید آزادانه بخشیده شود، مانند محبت او. در ناحیه کلیسایی ما در انجمن های ما روابط چگونه اند؟ آیا ما مانند خواهران و برادران با هم رفتار می کنیم؟ یا همدیگر را داوری می کنیم و بد یکدیگر را می گوئیم؟ هر کدامان به فکر حیات خلوت خودمانیم، یا نگران دیگران هم هستیم؟ اینها است مسائل محبت!

۳) **مریم در جایگاه الگوی یگانگی با مسیح.** زندگی باکره مقدس، زندگی زنی از جنس مردمان خودش بود: مریم نیایش کرد، کار کرد، به کنیسه رفت ... اما هر کاری با یگانگی کامل با عیسی به انجام رسید. این یگانگی، در تپه صلیب اوج می گیرد: مریم در اینجا در شهید شدن قلبش و در پیشکش کردن زندگانی اش به پدر برای رستگاری انسانیت، با پسر، یگانه است. بانوی ما در رنج یگانه پسر شریک شد، و خواست پدر را به همراه او پذیرفت، در فرمانبری ای که میوه می آورد، و پیروزی راستین در برابر شرّ و مرگ را تضمین می کند.

واقعیتی که مریم به ما می آموزد، بسیار زیباست: همیشه با عیسی یگانه بودن. از خود بپرسیم: آیا تنها وقتی چیزی اشتباه پیش می رود و نیاز داریم، یاد مسیح می افتیم؟ یا رابطه ما رابطه ای پایدار است، یک دوستی ژرف است، حتی هنگامی که به معنای پیروی از او در راه صلیب باشد؟

بیایید از خداوند بخواهیم فیض و قدرتش را به ما ارزانی دارد، باشد که نمونه مریم، مادر کلیسا در زندگی ما و زندگی هر انجمن کلیسایی بازتاب یابد. چنین باد!

رُم، کلیسای حضرت پطرس، ۲۳ اکتبر ۲۰۱۴

فرانسیس، اسقف کلیسای رم

تعلیمات و اعتقادات کلیسا در مورد حضرت مریم

بسیاری می‌پرسند: "آیا کاتولیکها حضرت مریم را می‌پرستند؟" سوالی است کاملاً بجا، چرا که حالات و رفتار بعضی از کاتولیکها به‌گونه‌ای است که چنین توهمی را ایجاد می‌کند. لذا لازم است روشن سازیم که کاتولیکها نسبت به حضرت مریم چه عقیده‌ای دارند و نسبت به او دارای چه تکلیفی می‌باشند.

برای روشن شدن این موضوع، بلافاصله باید بگوییم که پاسخ به سؤال بالا منفی است. کاتولیکها حضرت مریم را نمی‌پرستند، چرا که او نیز بشر بود. حضرت مریم فقط مورد تکریم قرار می‌گیرد. اما در این میان، اگر بعضی از کاتولیکها از روی ناآگاهی ارتباطی با او دارند که حالت پرستش را تداعی می‌کند، این امر ارتباطی به معتقدات رسمی کلیسای کاتولیک ندارد.

کاتولیکها، و نیز ارتودکسها و سایر کلیساهای تاریخی و سنتی (نظیر کلیسای گریگوری ارمنی و کلیسای شرق آشور) مریم را تکریم می‌کنند و حرمت می‌دارند. یگانه دعای رسمی و واجب کلیسا برای حضرت مریم، دعای زیر است:

سلام بر تو ای مریم، سرشار از فیض، خداوند با توست؛

فرخنده هستی تو در میان زنان،

و فرخنده است عیسی، ثمرهٔ رحم تو.

ای مریم مقدس، مادر خدا، برای ما گناهکاران،

اکنون و در ساعت مرگمان دعا کن. آمین.

پس همانطور که بیان کردیم، حرمت و تکریم حضرت مریم ارتباطی با کلیسای کاتولیک ندارد و از کهن‌ترین روزهای تاریخ کلیسا در میان مسیحیان متداول بوده است. اینک می‌خواهیم به بعضی از تعلیمات کلیسا در مورد حضرت مریم نظری بیفکنیم:

۱. مریم، مادر خداوندان عیسی مسیح:

این جشن در سال ۴۳۱ در مجمع اسقفان افسس به رسمیت شمرده شد. مریم، "پر از نعمت" با گفتن "من کنیز خداوند هستم" به نقشه خدا که توسط جبرائیل بر وی آشکار گردید جواب مثبت داده و بدین طریق "کلمه" در رحمش جسم گرفت. هر سال مسیحیان در روز اول ژانویه جشن "مریم مادر خداوندان عیسی مسیح" را جشن می‌گیرند.

تعلیم کلیسا در مورد اینکه مریم مادر خدا است شامل دو واقعیت می‌باشد:

الف) مریم به راستی مادر است، چون کاملاً در شکل گرفتن سرشت انسانی مسیح نقش داشت، همانگونه که هر مادری در شکل گرفتن ثمره رحم خود نقش دارد.

ب) مریم به راستی مادر خداست، زیرا شخص دوم سه گانگی مقدس را نه برحسب ذات الهی، بلکه بر حسب سرشت انسانی که وی بر خود گرفت، به بار آورده است.

۲. مریم، همیشه باکره:

این جشن در سال ۵۵۳ در دومین مجمع اسقفان قسطنطنیه به رسمیت شناخته شد. معمولاً این تعلیم با کشیدن سه ستاره بر روی لباس حضرت مریم به ما نشان داده میشود. این نماد، ستاره ها، به معنای باکره بودن حضرت مریم قبل از زایمان، در طی زایمان و بعد از زایمان میباشد. باکره بودن مریم، نشانگر آفرینش جدیدی که پولس در مورد آن در اول قرن‌تین ۱۵، ۴۵-۴۸ سخن میگوید میباشد و تضمین میکند که عیسی یگانه لطف سه گانگی مقدس به بشریت است که از طریق مریم به ما عطا شده است.

۳. لقاح مطهر:

این جشن در ۸ دسامبر ۱۸۵۴ توسط پاپ پیوس نهم اعلام گردید: "ما اعلام می کنیم، رسماً بیان کرده، مشخصاً تعریف می کنیم؛ آموزه ای که می گوید، مریم باکره مبارک، در هنگام لقاح و بسته شدن نطفه، بوسیله فیض منحصر بفرد و بخشش قادر متعال و به لیاقت عیسی مسیح نجات دهنده نسل بشر، از لکه گناه اولیه محفوظ نگاه داشت شد، آموزه ای است که از طرف خدا مکشوف شده است و به همین دلیل باید راسخانه و دائماً مورد باور مومنین باشد." مسیحیان معتقدند که خدا از آنجا که میخواست پسر خود را از طریق حضرت مریم به جهان بفرستد، به این خاطر مریم را از زمانی که نطفه اش بسته شد از گناه اصلی آدم و حوا طاهر ساخت تا برای حمل عیسی در رحم خود مقدس باشد.

۴. عروج مریم به آسمان

این جشن در اول نوامبر ۱۹۵۰ توسط پاپ پیوس دوازدهم اعلام گردید: "از آنجایی که کلیسای جامع که در آن روح راستی رشد می کند، روحی که کلیسا را بدون خطا در تحصیل دانش حقیقت مکشوف، راهنمایی می نماید، در طی اعصار مرتباً ایمان خود را بیان نموده است و از آنجایی که اسقفان تمام دنیا، تقریباً یکدل و یک زبان، به حقیقت صعود جسمانی مریم باکره خجسته به آسمان را، به عنوان تعلیم جزمی ایمان کاتولیک و الهی رضایت دادند، حقیقتی که بر کتب مقدس بنا شده است، حقیقتی که

عمیقاً در اذهان وفاداران در مسیح ریشه دوانده، و توسط پرستش و نیایشهای کلیسای تایید گشته است، حتی از زمانهای کهن، حقیقتی که با سایر حقایق مکشوف در هماهنگی است و در شکوه تمام، در غیرت، دانش و حکمت الهیات دانان، توضیح داده شده و اعلام گشته است. ما فکر می کنیم که زمانی که در نقشه خدا مقرر شده بود تا رسماً این مزیت مریم باکره را اعلام نماییم، فرا رسیده است.

بنابراین، با اقتدار خداوندان عیسی مسیح، رسولان مبارک، پطرس و پولس و با اقتدار خودمان، ما رسماً بیان، کرده، اعلام نموده، تعیین می کنیم که این آموزه از طرف خدا کشف شده است، که مادر خدا که بدون لکه گناه اولیه نطفه اش بسته شد، مریمی که همیشه باکره باقی ماند، پس از پایان زندگی خود بر روی زمین، در بدن و روح خود، به جلال آسمان صعود نمود.

بنابراین اگر کسی، خدایی ناکرده، جرات کند تا این آموزه را رد نماید، و یا عمداً به آنچه که ما تعیین نمودیم شک کند، باید آگاه باشد که خود باعث گشته تا از ایمان کاتولیک و الهی دور انداخته شود."

کلیسای ارتودکس این عید را "به خواب رفتن" مادر عیسی مسیح عروجش به نزد پسرش جشن میگیرد و کلیسای کاتولیک آنرا به عنوان روز مرگ حضرت مریم و عروجش با جسم و روح به نزد پسرش پادشاه جاودان یاد آور میشود (افسیان ۲، ۶). کلیسا هر سال در ۱۵ آگوست این جشن را برگزار میکند.

(دو تعلیم اولیه توسط مجمع اسقفان تصمیم گرفته شده، دو تعلیم دیگر توسط پاپ ها اعلام شده است)

*** جشن های حضرت مریم ***

۱. بشارت فرشته به مریم

یادآور بشارت فرشته به مریم می باشد (لوقا ۱، ۲۶-۳۷) و کلیسا از گذشته تا امروز این جشن را نه ماه قبل از یادبود تولد عیسی در ۲۵ مارس جشن میگیرد.

۲. زیارت مریم از الیزابت

این جشن یادآور زیارت مریم از خویشاوند خود الیزابت و ماندن وی برای مدت سه ماه در کنار مادر یحیی تعمید دهنده و خدمت به وی میباشد (لوقا ۱، ۳۹-۵۶). کلیسا یابد این وقوع را در روز ۳۱ می جشن میگیرد.

۳. تولد حضرت مریم

این جشن در قرن هفتم توسط پاپ سرجوس به رسمیت شناخته شد و یادآور تولد مریم مادر عیسی کلام خدای زنده میباشد. تاریخ یادآوری این حقیقت را کلیسا در روز ۸ سپتامبر جشن میگیرد.

